

بعد از عقد نزد امام واعزام همسر به بروکسل، بحث حضور من در اروپا بیشتر پیچید. صحبت از بلژیک، فرانسه، سوئیس و اتریش بود. هر کس محلی را عنوان می‌کرد. شایعاتی هم مبنی بر مراسم عروسی آنجانی در یکی از همین کشورها مطرح می‌شد و اینکه میهمانان را با هواپیمای بوئینگ ۷۴۷ به اروپا جابه‌جا کرده‌اند، دهان به دهان پخش شده بود.

■ **خیلی‌ها معتقدند رفتن محسن هاشمی به خارج از کشور در آن بحبوحه ترور به نوعی استفاده از رانت آوازادگی بود و گر نه خیلی‌های دیگر شبیه شما بودند که در کشور ماندند.**

البته قبل از انقلاب من دوبار به اروپا رفته بودم، یکبار در سال ۵۴ که به همراه پدر و خانواده اروپا را با ماشین دور زدیم و بار دوم در سال ۵۶ که برای گذراندن یک دوره آموزش زبان از طرف مدرسه علوی به لندن رفتم، بعد از انقلاب هم برای رفتن به خارج از کشور از هیچ‌گونه بورسیه و سهمیه‌ای استفاده نکردم که رانت آوازادگی یا غیر آوازادگی باشد، به صورت یک شهروند عادی و ناشناس به بلژیک رفتم و در آنجا هم ابتدا در منزل خاله‌ام که ساکن بروکسل بود، زندگی می‌کردم و اتفاقاً در اوج سال‌های جنگ، تحصیل در مقطع دکترا را راه‌کردم و به توصیه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی برای استفاده از تخصصم در صنایع دفاعی و موشکی به کشور بازگشتم.

■ **سال‌ها بعد، پای شما بار دیگر به بلژیک باز شد و البته این بار بسیار خبرساز. قصه آن دیدارهای محرمانه چه بود؟**

دیدار محرمانه‌ای وجود نداشت و این مطالب شایعاتی بود که جهت تخریب منتشر می‌شد.

■ **آن مقطع، نام شما چندین بار در گزارش کمیسیون ناویر که پس از ماجرای مک فارلین تنظیم شده بود، تکرار شد و حتی مرحوم هاشمی جایی گفته بود که امریکایی‌ها برای ایجاد روابط با ایران حتی به سراغ فرزندان دانشجوی برخی رجال متنفذ ایران در اروپا نیز رفته بودند. شما یکی از آنها بودید؟**

من در آن مقطع به صورت ناشناس در پلی تکنیک مونترال تحصیل می‌کردم و نه کسی با من در این باره تماس گرفت و نه کسی هویت من را می‌دانست، حتی برای تأمین هزینه‌های زندگی در دوران دانشجویی در دانشگاه مونترال،

به عنوان دستیار استاد کاری کردم که بعد از افشای ماجرای مک فارلین این شایعات مطرح شد و هویت من را استاد فهمید. اواز اینکه فرزند یک مقام ارشد ایران در آنجا کار دانشجویی می‌کرد، تعجب کرده بود.

■ **چطور بعد از بازگشت به ایران از صنایع دفاع سر در آوردید؟**

از چندین سال قبل از بازگشتم، به جهت آنکه در مقطع کارشناسی رشته مهندسی مکانیک و در مقطع ارشد در رشته کمپوزیت‌ها تحصیل می‌کردم، پیگیر صنایع دفاعی بودم و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی هم مرا تشویق می‌کرد که در این حوزه تلاش و تحقیق کنم، مسئولان صنایع دفاعی و موشکی هم برای تسریع در کار، برخی گزارش‌ها و پیگیری‌ها را از طریق من به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی منتقل می‌کردند و همین موضوع باعث شد تا به صورت طبیعی به این حوزه علاقه‌مند بشوم و با توجه به کمبود متخصص و امکاناتی که در کشور وجود داشت، بنابه توصیه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی تحصیل در دوره دکترا را راه‌کردم و به صنایع دفاعی آمدم.

■ **و پدر رئیس جمهوری شد و شما هم رئیس بازرسی ویژه ریاست جمهوری؟**

قبل از آن مقطع، دفتر بازرسی ویژه رئیس جمهوری وجود نداشت،

یکی از معضلاتی که کشور با آن مواجه بود، مشکلات زیاد مردم در دستگاه‌های اداری و بخصوص کارشناسی در تولید و ایجاد اشتغال بود و با توجه به اهمیتی که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به رفاه عمومی، تولید و اشتغال می‌داد، با هدف حل گرّه‌ها و ناهماهنگی‌های بروکراتیک کشور، به من مأموریت دادند تا دفتر بازرسی ویژه رئیس جمهوری را ایجاد کنم. ماهیت این دفتر، حل گرّه‌های اداری و تصمیم‌گیری به نفع مردم و تولیدکنندگان بود، نه فعالیت‌های امنیتی و پرونده‌سازی!

■ **در دوران شش‌شهردار مدیرعامل متری تهران بودید و در دوران سه‌شهردار، رئیس شورای شهر پایتخت. کار کردن با ۹ شهردار از جناح‌های سیاسی مختلف خودش رکورد به شمار می‌آید. از آنجایی که شمارد شورای چهارم که در دست اصولگرایان بود رقیب جدی آقای قالیباف برای شهرداری تهران محسوب می‌شدید و در شورای پنجم هم گزینه بالقوه شهردار شدن، می‌توان نتیجه گرفت انعطاف‌پذیری سیاسی محسن هاشمی فراوان است؟**

اصولاً جنبه اجرایی شخصیت من به جنبه سیاسی آن می‌چربد و به همین خاطر کار کردن با افراد با گرایش‌های سیاسی مختلف برایم دشوار نیست، به شرط آنکه کار و حل مشکلات مردم خوب پیش برود.

■ **با وجود اینکه در جناح اصلاح‌طلبان و در کارگزاران سازندگی سیاست ورزی می‌کنید، اما گفته می‌شود مرام محافظه‌کاری دارید. این ارث پدر برای پسر بوده است؟**

محافظه‌کاری معنایی خاص در ادبیات سیاسی دارد، من واژه میانه روی را به کار می‌برم که مشی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بود. از نظر سیاسی خودم را پیرو آیت‌الله هاشمی رفسنجانی می‌دانم. ایشان عمدتاً معتقد به اعتدال و میانه‌روی بود و نوعاً در دسته‌بندی جناحی جای نمی‌گرفت، هر چند در سال‌های اخیر و با ائتلاف اعتدالیون و اصلاح‌طلب‌ها، بیشتر در این طیف شناخته می‌شد اما هیچگاه مبنای تصمیم‌گیری و عملکرد خود را معیارهای جناحی قرار نمی‌داد و خدمت به مردم برایش ملاک و مبنا بود.

■ **قبول دارید عملکرد اصلاح‌طلبان در مقابل رأی بدنه اجتماعی‌شان در سال ۹۶ مطلوب نبوده؟**

این موضوع را به صورت مشروح بحث کرده‌ام که اصلاح‌طلبان نیاز به عملکردی و واقع‌گرایی در عملکرد خود دارند و دستاوردهای آنان در زمان تصدی مناصب قدرت حتماً باید جنبه عینی و واقعی برای مردم داشته باشد و در این حوزه دچار مشکل هستیم.

■ **بسیاری از محسن هاشمی با عنوان گزینه بالقوه جناح چپ برای ریاست جمهوری یاد می‌کنند که از قضا بدنه حاکمیت و سایر نهادهای خارج از دولت و حتی نیروهای مسلح هم رویکرد مثبتی به او دارند.**

در کشور ما تعداد گزینه‌های بالقوه ریاست جمهوری فراوان است و اصولاً کسی نمی‌تواند بر اساس تمایل یا فعالیت‌های خود، به عنوان گزینه بالفعل و جدی ریاست جمهوری مطرح شود، بنابراین بیشتر این گمانه‌زنی‌ها، بر اساس ذهنیت هاست، من به شخصه برنامه‌ای برای کاندیداتوری ندارم و معتقدم هر کس در مسئولیتی که قرار دارد باید بیشترین تلاش خود را برای خدمت بکند، نه اینکه بخواهد امکانات و توان خود را صرف تلاش برای به دست آوردن مناصب بالاتر کند.

■ **محسن هاشمی به عنوان یک زن خوب تمام عیار، جوانی هم کرده است؟**

همانطور که در سوالات قبلی گفتم نوجوانیم در دوران رژیم سابق و به عنوان فرزند یک زندانی سیاسی سپری شد و در دوران جوانی هم به صورت ناشناس در خارج از کشور تحصیل و کار کردم و بعد از بازگشت هم به دلیل شرایط آن روز کشور که در اوج جنگ و بمباران بود، تنها انگیزه و هدف ما ایجاد توان دفاعی و موشکی برای ایران جهت پاسخ دادن به حملات گسترده دشمن بود، تعابیر و مفاهیمی نظیر زن خوب، با شرایط سخت آن روز کشور قابل تطبیق نیست، البته اصل موضوع که داشتن پدری بزرگ مانند آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که بیشترین سختی‌ها و لطمات را در دوران مبارزه قبل از انقلاب و ترور و جنگ در بعد از انقلاب تجربه کرد، همیشه برایم باعث افتخار خواهد بود.